

# یکتا اثر ماندگار میر عماد

در

## تکیه میرفندرسکی

گیلان فقیه میرزایی

کتیبه عالی منسوب به میرعماد حسنی خطاط مشهور دوره صفوی بر دیوار ایوان غربی، می توان بنای این مجموعه را قبل از کشته شدن وی یعنی سال ۱۰۲۴ هـ. ق دانست.<sup>۳</sup> همایی می گوید وجود خط میرعماد علی الخصوص غزل حافظ دلیل بارزی است که این تکیه قبل از دفن میرفندرسکی خانقاه درویشان بوده است.<sup>۴</sup>

بعد از وفات میر، تا اوایل قرن دوازدهم تنها تنی چند از بستگان میرفندرسکی من جمله میرزا ابوطالب نوه میر و سید روح اله فندرسکی در این تکیه به خاک سپرده شده اند و به نظر می رسد که تکیه همچنان توسط شاگردانش، به عنوان مدرسه مورد استفاده بوده است و تا اوایل قرن دوازدهم به صورت گورستان درنیامده بود. بعد از سنگ قبر میر قدیمی ترین قبوری که در این تکیه وجود دارد به تاریخ های

تکیه میر در شمال غربی گورستان تاریخی تخت فولاد واقع است.<sup>۱</sup> خاتم الحکماء و افضل الفضلاء، میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میر در این تکیه مدفون است. وی فرزند میرزا بیک بن صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی، از عرفای مشهور عهد شاه عباس و شاه صفی و معاصر ملاصدرای شیرازی بوده است. حکما و عرفای بزرگواری چون میرزا رفیعا نائینی و ملا رجبعلی تبریزی از شاگردان محضر او بودند.

از آنجا که در متون تاریخی از این تکیه به عنوان مدرسه عالی، شامل صحن و حجرات و مکان زندگی میر یاد شده است، می توان تاریخ احداث تکیه را به قبل از درگذشت میرفندرسکی ۱۰۵۰ هـ. ق نسبت داد.<sup>۲</sup> از طرفی، با وجود

۱- در مورد تکیه میر و احوال مدفونین آن به گزارش تفصیلی گروه پژوهش تخت فولاد در گروه متون اسلامی سازمان میراث فرهنگی مراجعه شود.

۲- تحویلدار اصفهانی، محمد حسین خان، جغرافیای اصفهان، ص

۳- در صورتیکه این کتیبه را اصل بدانیم و یک اثر کرده برداری شده از جای دیگر نباشد.

۴- همایی، جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان (بقاع و تکایا) ص ۴۴۴.

۱۱۰۵ هـ.ق. ، ۱۱۱۱ هـ.ق.، ۱۱۹۷ هـ.ق. و ۱۱۹۹ هـ.ق. می‌باشد.

در قرن دوازدهم و سیزدهم خرابی بسیار بر بناهای این تکیه وارد آمده که برخی مورخان آن را به افغانه نسبت می‌دهند<sup>۵</sup>. البته این نکته مورد تردید است.

در دوره زندیه و بعد، تکیه و محوطه جلوی آن به صورت گورستان مورد استفاده بوده، در زمان قاجاریه تعمیرات و الحاقات بسیاری در آن صورت گرفته، از جمله تعمیراتی که در سال ۱۳۰۵ هـ.ق. توسط رکن الملک شیرازی نایب الحکومه اصفهان انجام شده و عنقا (محمد حسین شیرازی فرزند همای شیرازی، ملقب به ملک الشعرا) ماده تاریخ این تعمیر را در قصیده بلند و زیبایی سروده است<sup>۶</sup>.

همچنین الحاقاتی در سال ۱۳۲۲ هـ.ق. در زمان مظفرالدین شاه، بعد از دفن غلامرضا بختیار سردار بختیاری در ایوان غربی انجام شده است. احداث دیوار بلند جلوی ایوان و ایجاد سقف در داخل ایوان و تقسیم آن به بنای دو طبقه از جمله این الحاقات است. شایسته است برای جلوه بیشتر کتیبه مورد ذکر در ایوان، معماری آن به حالت اولیه برگردد و تمهیدات حفاظتی در مورد این کتیبه اجرا شود.

مجموعه زیبایی تکیه میر امروزه قریب هجده هزار متر مربع مساحت دارد و شامل: سردر، صحن، حجرات، ایوان‌ها و الحاقات و خلوت‌های متعددی در اضلاع جنوبی، شمالی و غربی می‌باشد. دو تکیه بختیاری‌ها و صمصام السلطنه با خلوت‌ها و مقابر پیوسته آنها اگر چه در خارج از صحن تکیه قرار دارند، لیکن جزو این مجموعه به حساب می‌آیند.

تکیه میر به صورت چهار ایوانی است. ایوان شرقی تخریب شده و ایوان شمالی نیز به بزرگی ایوان‌های دوره صفوی نمی‌باشد. لیکن مقایسه ابعاد این دو ایوان با حجرات اطراف، شمای دو ایوان ضلع شمالی و شرقی را نمایان



تصویر شماره یک: سردر تکیه میر

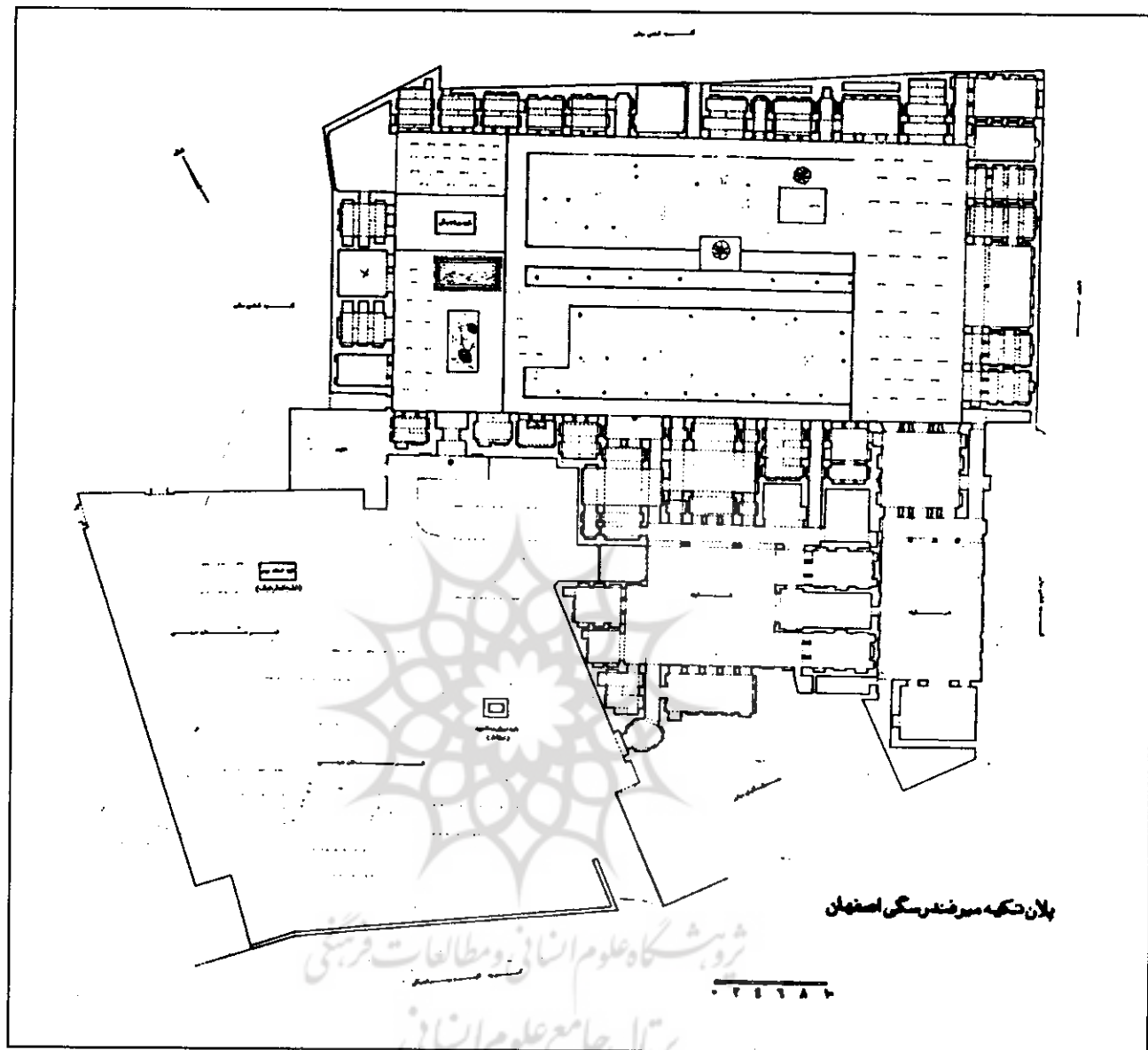
می‌سازد. حجرات متعدد در اطراف صحن بنا شده که احتمالاً محل اسکان طلابی بوده که در محضر درس میرفندرسکی حاضر می‌شده‌اند. تعمیرات و بازسازی‌ها در تعداد و ابعاد حجرات تغییراتی ایجاد کرده است. در ضلع غربی ۴ حجره، ضلع شمالی ۹ حجره، ضلع شرقی ۶ حجره و ضلع جنوبی ۷ حجره ساخته شده است.



تصویر شماره دو: ضلع غربی تکیه میر

۵- بلاغی، سیدعبدالرحمت، مقامات الحقا فی مقامات شمس العرفا، ص ۳۷.

۶- همایی جلال الدین، برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی از خاندان همای شیرازی، ص ۷۴۶.

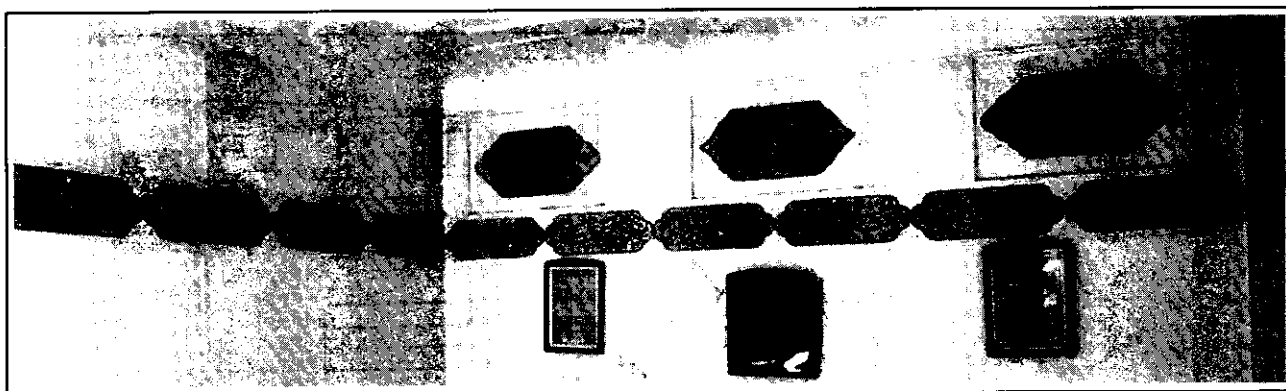


نقشه تکیه میر فندرسکی

گوشواره های جانبی ایوان ایجاد شده که راه ورودی به طبقه دوم می باشد. در جلوی ایوان نیز دیواری ساخته که آن ایوان را به دو اتاق تبدیل کرده است. وجود دو کتیبه گچبری زیبا در اتاق زیرین، این ایوان را به یکی از نقایس هنری تبدیل کرده است.

ایوان غربی، بلندترین ایوان تکیه میر است. این ایوان از آثار دوره صفوی و به قول برخی از مورخین محل زندگانی میر بوده است<sup>۷</sup>. قبلاً ذکر شد که در سال ۱۳۲۲ هـ.ق. این ایوان به دو طبقه تقسیم شد. روزنه ای در جدار پله سمت راست

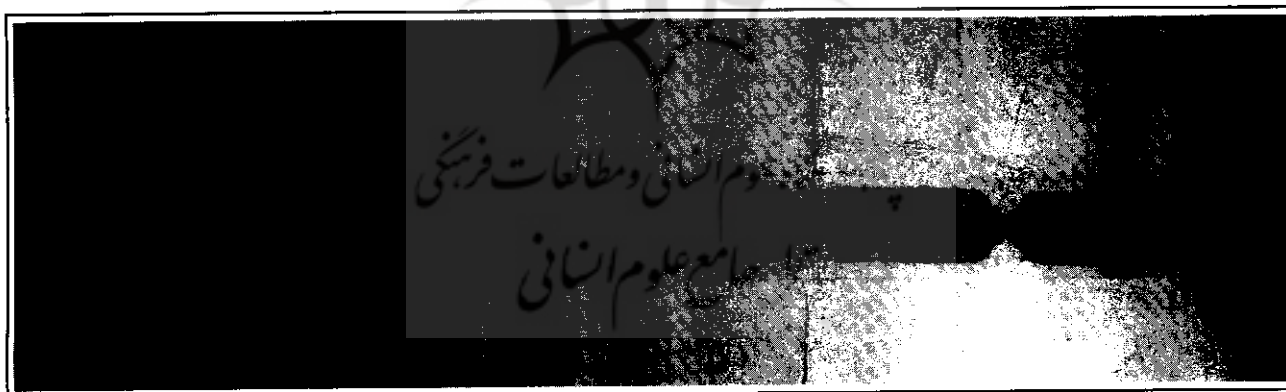
۷- تحویلدار اصفهانی، محمدحسین خان، جغرافیای اصفهان، ص



تصویر شماره ۳ - کتیبه میرعماد در دو طرف اتاق



تصویر شماره ۴ - کتیبه دیوار شمالی



تصویر شماره ۵ - کتیبه دیوار جنوبی

علی را قدر پیغمبر شناسد  
 که هر کس خویش را بهتر شناسد  
 مطلع دیگر شامل دو بیت در طرفین بیت بالا و به شرح  
 ذیل است :

یک کتیبه شامل سه بیت با دو مطلع به خط نستعلیق بر دیوار  
 روبروی ورودی ، در بالای کتیبه میرعماد نوشته شده است .  
 بیت میانی که دارای مطلع جدای از دو بیت دیگر است به شرح  
 ذیل است :

جای فیض علی چو تکیه میر شد ز فیض خدای فیض علی  
فیض فیاض گشت و شد تاریخ

”این مکان باد جای فیض علی“

مصرع آخر مطابق حروف ابجد ۱۱۹۴ هـ.ق می شود .  
از این ماده تاریخ چنین برمی آید که یکی از عرفای قرن  
دوازدهم هجری به نام فیض علی در این مکان گوشه خلوت  
گزیده بوده است .

کتیبه دیگر، یکی از زیباترین آثار باقی مانده از میرعماد ،  
شامل ۱۰ بیت از غزل معروف حافظ به خط نستعلیق بسیار  
زیباست که بر سه ضلع شمالی ، غربی و جنوبی دیوار با قلم  
دو دانگ<sup>۸</sup> گچبری است .

همایی می گوید : ” دوره این ارسی غزل خواجه ... به قلم  
شش‌دانگ پارویی هر مصرع در یک کتیبه و در بعضی جاهای  
ضلع جنوبی ارسی ناچار دو سطر زیر هم کتیبه شده است . .  
سابقاً این ارسی مرکز اجتماع اهل حال بود بعداً دختر  
سردار جنگ را در این محل دفن و در کتیبه خط میرعماد هم  
تصرفات بیجا کردند که تا حدی صورت کهنگی اصلی را از  
دست داده<sup>۹</sup> ”

میرعماد فرزند ابراهیم حسنی<sup>۱۰</sup> از سادات سیفی قزوین و  
ملقب به عمادالملک است. در حدود سال ۹۶۱ هـ.ق. در قزوین  
متولد و پس از ۶۲ سال زندگی پرماجرا در سال ۱۰۲۴ هـ.ق.  
در نیمه شب جمعه آخر رجب<sup>۱۱</sup> به دست اوباش اصفهان به  
شهادت رسید .

۸- بیانی ، مهدی ، احوال و آثار خوشنویسان ، ص ۵۲۸ . عبدالمحمد  
خان ایرانی در کتاب پیدایش خط و خطاطان ، ص ۱۱۷: کتیبه را به  
خط نستعلیق سه دانگی می داند .

۹- همایی ، جلال الدین ، تاریخ اصفهان ، فصل تکایا و مقابر ، ص  
۴۴۷

۱۰- بیانی، احوال و آثار خوشنویسان : نام پدر میرعماد را کسی تا  
کنون ضبط نکرده است ، فقط در یک نسخه از تکمله النفحات  
عبدالفور لاری که میر حواشی بسیاری بر آن نوشته است نام و  
نسب خود را چنین یاد کرده است : ” عماد بن ابراهیم حسنی “

او دوران کودکی را در قزوین سپری کرد سپس در تبریز  
به محضر استاد ملامحمد حسن تبریزی رفت . پس از آن به  
خاک عثمانی سفر کرد و به قولی تا حجاز رفت و بازگشت .  
مدتی در جمع هنرمندان کتابخانه فرهادخان قرامانلو در  
سمنان و دامغان و بسطام و طبرستان و خراسان ملازم او  
بود . بعد از کشته شدن فرهادخان به قزوین رفت و به کتابت  
و قطعه نویسی پرداخت . در سال ۱۰۰۸ هـ.ق. به اصفهان و  
به دربار شاه عباس رفت .

ابتدا میر بعضی قطعات خود را با اشعاری در مدح شاه  
آرایش داده از جمله نوشته است :

خدایا تو این شاه درویش دوست

که آسایش خلق در ظل اوست

بدارش بر او رنگ شاهی و جاه

بر اوج فلک تا بود مهر و ماه

شاه نیز به او بذل توجه خاص داشت ، ولی پس از مدتی  
در اثر حسد و سعایت بعضی هنرمندان از جمله شاید علیرضا  
عباسی<sup>۱۲</sup> مورد بی مهری شاه واقع شد و سرانجام چنان  
گوشه گیر و رنجیده شد که زبان به شکایت گشود :

ز بس کز آشنایان زخم خوردم

زند گر حلقه گرم اژهای

نیاید بر دل من سخت تر زان

که کوبد حلقه بر در آشنای،

اگر چه ارادت و محبت به خاندان آل رسول ( ص ) در  
آثار و اشعار میر مشهود است ولی او متهم بود که از پیروان  
اهل تسنن است ، شاید زمانی در مورد جنگهای ایران و  
عثمانی گفته بود ” اگر اختلافات بین دو دولت و ملت اسلامیه  
زایل می گشت بسیار خوب بود<sup>۱۳</sup> “ . روایت شده است که  
شاه عباس گفته بود : ” کسی نیست مرا از دست این سنی

۱۱- قدسی ، منوچهر ، خوشنویسی در کتیبه های اصفهان ، ج اول ،  
ص ۴۲ .

۱۲- هنرمند مشهور ثلث نویس دربار شاه عباس که بیشتر کتیبه  
های آثار گرانددر اصفهان به خط وی می باشد .

۱۳- ایرانی ، پیدایش خط ، خطاطان ، ج دوم ، ص ۱۱۸

نجات دهد...<sup>۱۴</sup>” و یا هر لفظی مشابه، که مقصود بیک مسگر قزوینی رئیس قبیله شاهسون قزوین، جمعی از اوباش را وا داشت تا در تاریکی شب میر را کشتند و از شدت حسد انگستان وی را قطعه قطعه کردند<sup>۱۵</sup>.

پیکر او نیمروز بعد توسط شاگرد با وفا و مرید با صفای او، میرزا ابوترابای اصفهانی از زمین برداشته شد. شاه فرمان داد با تعظیم و تکریم تشییع و در مسجد مقصود<sup>۱۶</sup> بیک واقع در دروازه طوقچی به خاک سپرده شد.

فرزندان او میر ابراهیم و گوهرشادخانم هردو از هنرمندان خط نستعلیق بودند. اخلاف او از ترس دشمنان جلای وطن کرده برخی به خاک عثمانی و برخی به هند رفتند.

میرعماد مردی آزاده، بلند نظر و صاحب کرامات و صفای باطن بود، در خط نستعلیق صاحب شیوه و مکتبی جدید است که آن را مکمل مکتب میر علی و سلطانعلی مشهدی باید شمرد آوازه حسن خط میر، در زمان حیاتش در ممالک اطراف پیچید و قطعات خطوطش در ایران و هندوستان و ممالک عثمانی به بهای زر خرید و فروش می شد.

آثار متنوع میرعماد از جمله کتب، جزوه ها، رساله ها، مرقع ها، قطعات منفرد در کتابخانه های عمومی و خصوصی و مجموعه های شخصی در ایران و تمام دنیا وجود دارد. رقم غالب و مستمر میر “عمادالحسنی” است که در عبارات ذیل دیده شده است: عماد - میرعماد - میرعماد حسنی - میرعمادالحسنی - میرعماد حسنی قزوینی - عمادالملک الحسنی - عمادالملک القزوینی - عمادالملک الحسنی السیفی - عمادالملک الحسنی السیفی القزوینی.

مؤلف کتاب پیدایش خط و خطاطان در مورد آثار میرعماد می گوید: “... اگر چه کتبی که به خط میرعماد یا قطعات و مرقعات که به خط اوست کنون زیب و زیور اعظم کتابخانه های دنیاست و هر کس آن خطوط عالی را بنگرد. زبان به تقدیس و تقدیر آن اعجوبه جهان گشاید، و روح پرفتوح او را

شاد نماید، ولی خطوط نستعلیق جلی او، در هیچ نقطه از نقاط و بقاع اصفهان دیده نشده. مگر در تکیه میر اصفهان واقع در قبرستان تخت فولاد که در یکی از حجرات آن تکیه قرب قبر (میر ابوالقاسم حکیم فندرسکی) است غزل خواجه حافظ<sup>۱۷</sup>...”

اما در مورد اینکه این اثر هنری، از آثار خود میرعماد است یا خطوط آن از جای دیگر گرفته برداری شده است، نظرات گوناگونی ابراز شده است، محمد حسین تحویلدار اصفهانی در کتاب جغرافیای اصفهان می نویسد:<sup>۱۸</sup>

”در ارسی بزرگ آن (تکیه میر) که مکان حیوه میر مبرور قدس سره است، میرعماد حسنی مرحوم که در آن زمان از سرسپردگان و مریدان آن بزرگوار بوده غزل حافظ (روضه خلد برین خلوت درویشانست) الی آخر را روی گچ و در دوره ارسی به خط جلی کتیبه نوشته که چنان کتیبه ای از صدر عالم الی این اعصار به نظاره نرسیده است و بنای گچ کار با کارد گچ دوره خط را درآورده و خالی نموده که اصل خط مانند نقش های در احجار برجسته شده چنین می نماید که بنا گچ کار هم در تصنع خود پایه عمادی داشته زیرا که صافی و نازک کاریش به وهم در نمی آید بقسمی کار کرده است که قلمش با رقم میر مرحوم بقدر نقطه موهوم فرق و اختلاف نکرده. تعجب در سفتی و سختی گچ آن هم هست معلوم نیست که جنس گچ باین دوام و قوام بوده یا دستی چیزی داخلش کرده اند که حجریت پیدا نموده چرا که از زمان شاه عباس صفوی الی اکنون از روی این کتیبه ها البته هزار چوبه متجاوز برداشته اند و بازمانند عقیق کنده باقی و بی نقص است.“

میرزا حیدر علی ندیم الملک در این مورد می نویسد:<sup>۱۹</sup>

۱۶- این مسجد که منسوب به مقصود بیک وزیر بیوتات، نه مقصود بیک ساهسون مسگر است، هنوز در اصفهان باقی و نشانی آرامگاه میر را در آنجا می دهند.

۱۷- ایرانی، پیدایش خط و خطاطان، ج دوم، ص ۱۱۷.

۱۸- تحویلدار اصفهانی، جغرافیای اصفهان، ص ۳۳.

۱۹- ندیم الملک، میرزا حیدرعلی، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۱۴- بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ص ۵۲۶

۱۵- همایی، تاریخ اصفهان (مجله هنر و هنرمندان) ص ۲۰۵





#### تصویر شماره ۶ - مصرع دوم بیت آخر کتیبه

تحفه لطیف درویشانه را از آن دیار نیاورده و زیب خلوتکده  
خویش نکرده باشد؟“

اما اینکه اینگونه آثار به دستور شاهان هند و یا توسط عده  
ای به دربار شاهان هند راه یافته باشد و پس از آن توسط  
ایرانیان هنر دوست گرده برداری شده و به ایران بازگردانده  
شده باشد مقوله دیگریست که محتاج بررسی و تحقیق بیشتر  
می باشد.

در هر صورت با توجه به متن کتیبه مزبور و جابجایی  
ابیات غزل حافظ، ظن اینکه کتیبه از جای دیگری آورده شده  
باشد قوی تر میشود. چنین به نظر می رسد که ابیات غزل  
مزبور بصورت جدا گرده برداری شده و به همین جهت هنگام  
نوشتن بر دیوار ترتیب و تقدم و تاخر ابیات رعایت نشده  
است. بنابر این گفته تحویلدار اصفهانی مبنی بر اینکه میرعماد  
بدست خود بر چله خانه میر این کتیبه را نوشته صحیح به  
نظر نمی رسد، به خصوص اینکه بر هیچ بنای تاریخی  
اصفهان نام میرعماد و آثار مربوط به وی مشاهده نمی شود.

” در زمان میر ، اکبر شاه هندی از هندوستان به دیدن شاه  
عباس آمد هنگام مراجعت از صنایع و تحف اصفهان هر کدام  
چیزی خواست من جمله از خطوط میر هم غزل  
معروف خواجه را ”روضه خلدبرین خلوت درویشان است“  
بطور کتیبه همراه برد به هندوستان ، بعد از روی آن گرده  
برداشتند و آوردند در تکیه میرفندرسک از گچ بیرون آوردند  
که هنوز باقیست .“

ندیم الملک سند و مدرکی که دال بر خروج این کتیبه از  
ایران و سپس ورود آن به کشور بصورت گرده برداری شده  
باشد ارائه نداده است. با توجه به اینکه ، متون تاریخی نیز  
هیچ گاه ورود اکبر شاه پادشاه هند را به ایران و مخصوصاً  
اصفهان ضبط نکرده اند، و در سفر همایون شاه پدر اکبر شاه  
به ایران از ورود وی به اصفهان نیز هیچگونه سند و مدرکی  
به دست نیامده است . پذیرش این روایت مورد تردید است .  
یکی دیگر از مورخین معتقد است :

” از آنجا که میر پیوسته مسافر هند بوده از کجا که خود این

متن ابیات فوق که هر مصرع آن درون ترنجی نقش بسته و متن آن با برگ و گل اسلیمی تزیین شده به شرح ذیل است :

روضه خلدبرین خلوت درویشانست

مایه محتشمی خدمت درویشانست

از کران تا بکران لشکر ظلمست<sup>۲۰</sup> ولی

از ازل تا بایسد فرصت درویشانست

آنکه<sup>۲۱</sup> پیشش بنهد تاج تکبر خورشید

کبریا نیست که درحشمت درویشانست

دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال

بی تکلف بشنو دولست درویشانست<sup>۲۲</sup>

آنکه<sup>۲۳</sup> زر می شود از پرتو آن قلب سیاه

کیمیاییست که در صحبت درویشانست

قصر فردوس که رضوانش بدریانی رفت

منظری از چمن نزهت درویشانست

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا

سرو زر در کنف همت درویشانست

کنج عزلت<sup>۲۴</sup> که طلسمات عجایب دارد

فتح<sup>۲۵</sup> آن در نظر همت<sup>۲۶</sup> درویشانست

خسروان قبله حاجات گشایند ولی<sup>۲۷</sup>

سببش بندگی حضرت درویشانست

حافظ ار آب حیات ابدی<sup>۲۸</sup> می خواهی<sup>۲۹</sup>

منبعش خاک در خلوت درویشانست<sup>۳۰</sup>

کتبه العبد عمادالحسنی

این کتیبه تا زمان ناصرالدین شاه به طور کامل باقی بود

لیکن در اواخر دوره قاجار رو به ویرانی رفت و بقول جابری

انصاری ".... مدت پنجاه سال تا سال ۱۲۷۰ ه.ق. از بس از

روی آن گرفته برداشتند و تصرف کردند خراب شد<sup>۳۱</sup> .

تعمیراتی که در دهه های اخیر بر روی این کتیبه صورت

گرفته تا اندازه زیادی به این اثر هنری لطمه زده است ولی دو

مصرع من جمله مصرع اول بیت اول و مصرع آخر بیت آخر

به همان نفاست و زیبایی اولیه باقی است. دلیل استحکام این

دو مصرع چیزی نیست جز دیوار قطوری که امکان دسترسی

و گرده برداری از روی آن را ناممکن ساخته است .

#### منابع :

۱- ایرانی، عبدالمحمدخان، پیدایش خط و خطاطان، جلد دوم، تهران، مشعل

۲۰- دیوان حافظ نسخه ۸۰۵ ه.ق دکتر رکن الدین همایونفرخ

(ه): "ظلمند"، دیوان حافظ انجمن خوشنویسان به خط استاد

کیخسرو سروش و مقدمه گلشن کردستانی (گ): "ظلم است"

۲۱- دیوان حافظ به کوشش ح پیمان (پ): "آنکه"، گ: "آنکه"

۲۲- ه: این بیت حذف شده است.

۲۳- ه، پ، گ : "آنچه"

۲۴- ه، پ : کنج عزلت، گ : کنج عزت، نیساری، سلیم، غزل

های حافظ (غ) : کنج عزت

۲۵- ه: " فیض "، گ: " فتح " .

۲۶- ه، گ : " رحمت " .

۲۷- ه، پ، گ : " خسروان قبله حاجات جهانند ولی " .

۲۸- گ : ازلی

۲۹- ه، پ : می طلبی، گ : می خواهی .

۳۰- در بعضی دیوان ها سه بیت و در بعضی یک یا دو بیت اضافه

است که در کتیبه فوق نیامده . ه، پ، غ، گ :

کنج قارون که فرو می رود از قهر هنوز

خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است .

ه : چهره بخت که دل می برد از شاه و گدا

مظهرش آینه ظلمت درویشان است

گ : روی مقصود که شاهان به دعا می طلبند

مظهرش آینه طلعت درویشان است

ه: ای دل آنجا به ادب باش که سلطان و ملک همه از

بندگی حضرت درویشانست

ه: بنده آصف عهدم که در این سلطنتش صورت

خواجگی و سیرت درویشان است .

غ : من غلام آصف عهدم کورا

گ : من غلام نظر آصف عهدم کورا

۳۱- جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ص ۱۷۷ .



- آزادی، ۱۳۴۶ ش
- ۲- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان نستعلیق نویسان، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۵۸/۲
- ۳- بلاغی، سیدعبدالحجت، مقالات الحنفیاتی مقامات شمس العرفا، چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۷ ش
- ۴- تحویلدار اصفهانی، محمدحسین خان، جغرافیای اصفهان، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف شهر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- ۵- جابری انصاری، حسن خان، تاریخ اصفهان، به تصحیح جمشیدمظاهری، اصفهان مشعل آزادی ۱۳۷۸ ش.
- ۶- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان، نسخه ۸۰۵ هـ. ق، دکتر رکن الدین همایونفرخ تهران، نشر مصحح، ۱۳۷۱ ش.
- ۷- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان، به کوشش پژمان، تهران، کتابفروشی ایران، ۱۳۱۸
- ۸- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان، انجمن خوشنویسان، به خط استاد کیخسرو سروش و مقدمه گلشن کردستانی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.
- ۹- فضایی، حبیب اله، اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، اصفهان، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ ش.
- ۱۰- قدسی، منوچهر، خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، جلد اول، اصفهان، انتشارات گلها، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۱- ندیم الملک، میرزا حیدرعلی، فرهنگ ایران زمین، جلد ۱۲، تهران، بنیاد نیکوکاری نوشیروانی، ۱۳۵۴ ش.
- ۱۲- همایی، جلال الدین، برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان از خاندان همایی شیرازی، تهران، انتشارات کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۳ ش.
- ۱۳- همایی، جلال الدین، تاریخ اصفهان، (مجلد ابنیه و عمارات، فصل تکایا و مقابر) به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، نشر هما، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴- همایی، جلال الدین، تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان) به کوشش ماهدخت بانو همایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی